

بیانیه ی مادران پارک لاله پیرامون قتل عام سال ۶۷

ما مادران پارک لاله، کشتارهای دهه ۶۰ و بخصوص کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷ را محکوم می کنیم و همراه با مادران داغدار دادخواهیم!

سالگرد کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی سال ۶۷ در شرایطی فرا می رسد که خبر دهشتناک این کشتار بیرحمانه در سرتاسر دنیا پخش شده و هر سال که می گذرد پرده های به عمد کشیده شده بر روی جنایات دهه ۶۰ کنار می رود و شاهدان زنده از آن سال های قتل و جنایت، لب به سخن می گشایند و گوشه های تاریک آن را آشکار می کنند.

روایت سال ۶۷ روایت شکنجه ها و شلاق ها و قساوت ها، روایت قطع شدن یکباره تمام ارتباط ها و ملاقات ها با بیرون و بعد روایت دادگاه های چند دقیقه ای که معمولاً با یک سؤال و یک جواب و بدون هیچ گونه حق دفاع و وکیل، حتماً برای برخی که مدت حکم زندان شان به پایان رسیده بود؛ با حکم قطعی و لازم الاجرای اعدام بدون حق اعتراض، روایت تجاوز به دختران، پیش از اعدام (برای این که به زعم ایدئولوژی حاکم به بهشت نروند)، و روایت گورهای دسته جمعی در کانال های بزرگ و بدون هیچ گونه حق مراسم و یا حتماً نام و نشانی در جایی که امروز گلزار خاوران می نامند و روایت ناپدید شدگان که هنوز هم چشم های مادرانی را که تاب آورده اند به در دوخته است و ادامه همه این قساوت و کشتار در قالب اعدام، قتل های زنجیره ای و کشتارها و سرکوب های دیگر تا امروز در برابر روایت مسلط ایستادگی می کند و شانه به شانه می رود تا هنگامه دادرسی و روز رستاخیز مردم را دریابد. روایتی که قرار بود پنهان بماند ولی برخی زوایای آن به کمک افشاگری های آیت الله منتظری و برخی دیگر به کمک زندانیان آزاد شده که لب به سخن گشودند، آشکار شد. ولی هنوز بسیاری گوشه های پنهان دارد که در زمان خود مورد بررسی و کنکاش قرار خواهد گرفت تا تمامی زوایای آن روشن شود.

یک روز اگر می توانستند دلایل کناره گیری آیت الله منتظری از نیابت رهبری و جریان اعدام ها را وارونه جلوه داده و انکار کنند، امروز اما برخی از اعضای طبقه حاکم نیز در برابر این مقاومت تسلیم شده اند و در منابع مختلف به این کشتار داخلی و پاک سازی سیاسی اعتراف می کنند، باز اما آمران و عاملان آن که مرکب از هیأت حاکمه وقت بوده اند از روشن کردن آن سرباز می زنند و از زیر مسئولیت اش شانه خالی می کنند.

آری هیأت حاکمه دیروز و امروز نظام با همدستی ای عامدانه، حمله مجاهدین را علت اصلی این جنایت بی شرمانه قلمداد کردند و می کنند، غافل از اینکه پرده ها کنار می رود و حقایق آشکار می شود و حال ما می دانیم که برنامه ریزی برای اعدام های دسته جمعی زندانیان سیاسی از سال ۶۶ آغاز شده بود که با قبول آتش بس جنگ ایران و عراق و حمله مجاهدین، بهترین زمان و بهترین بهانه برای کشتار و حذف فیزیکی بهترین و پاک ترین و جسورترین انسان های آگاه کشورمان مهیا شد و این جنایت ضد بشری در کم ترین زمان ممکن و با پلیدی ای کم نظیر به اجرا در آمد. جنایتی که هنوز شمار دقیق کشته شدگان اش معلوم نشده است، ولی آمارها از ۵۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ نفر را شامل می شود و همگان می دانند که این کشتارها پس از آن نیز متوقف نشد و به اشکال مختلف تا به امروز ادامه دارد.

از اینجاست که حرکت خانواده‌های زندانیان سیاسی شکل منسجم تری به خود می‌گیرد. تحسن در برابر کاخ دادگستری، گردهمایی در برابر دادستانی، برگزاری مراسم برای دادن طوماری اعتراضی با ۳۷۰ امضاء به کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، تماس با خارج از کشور، تماس با کمیته‌های حقوق بشر و جامعه‌های دفاع از زندانیان سیاسی و ... در اعتراض به چرایی و چگونگی "فاجعه ملی"، که سرانجام به واکنش اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها منجر می‌شود. در ۲۱ مهرماه، پارلمان اروپا با تصویب قطعنامه‌ای در مورد نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، از دولت ایران می‌خواهد که هیأتی به منظور بررسی وضعیت زندان‌ها عازم ایران شود. ۱۸ آذرماه، پارلمان آلمان قطعنامه‌ای تصویب می‌کند که در آن نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی به شدت مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

از مهرماه سال ۱۳۶۷ که کمابیش خبر کشتارها در میان خانواده‌ها پخش شده بود، سیل نامه‌ها و شکایت‌های شفاهی و کتبی درباره موج کشتارها به سوی نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، گالیندوپل سرازیر شد. او در سفری شش روزه به ایران، بیشترین زمان را به مذاکره با مقامات دولتی و کمترین زمان را برای ملاقات با خانواده‌ها و بازدید از زندان و خاوران اختصاص داد. در این مدت خانواده‌ها هر روز جلوی مقر سازمان ملل تجمع می‌کردند، شاید بتوانند با او ملاقاتی داشته باشند. هرچند جمهوری اسلامی حداکثر تلاش خود را کرد تا او به واقعیت‌ها دست نیابد، ولی آشکارا کمیسیون حقوق بشر و سازمان ملل به مدارکی دست یافته بودند که متأسفانه این مدارک جدی گرفته نشد و هنوز چرایی این رفتار بر کسی روشن نیست؟! و آن چه اما در روند مسیری دادخواهی تا امروز گذشته است، خبر از سکوت مجامع بین‌المللی در برابر این جنایات عظیم می‌دهد. جنایاتی که به درستی و بر طبق همان قوانین بین‌المللی مصداق جنایت علیه بشریت است. در طی این سال‌ها، مادران و خانواده‌های داغدار تلاش‌های فردی و جمعی بسیاری کردند تا پاسخی دریافت کنند. یکی از این تلاش‌ها رفتن مداوم به خاوران است تا بتوانند این سند جنایت کشتارهای دهه ۶۰ را حفظ کنند، هرچند خاوران بارها مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفته و خاکش با بلدوزر زیر و رو شده و معلوم نیست آثاری از وجود کشته‌شدگان در آنجا باشد، ولی مادران همین بیابان خشک و بی‌آب و علف را دوست دارند زیرا می‌دانند عزیزان دلبندهشان به شنیع‌ترین شکل ممکن در آنجا دفن شده‌اند و باید روزی پاسخی برای سوال‌های بی‌جواب‌شان بیابند. بدین منظور علیرغم تهدید و ارباب‌های فراوان باز به خاوران می‌روند، مراسم می‌گیرند و تلاش می‌کنند که یاد و خاطره عزیزان‌شان را زنده نگاه دارند تا روز پاسخ‌گویی فرا رسد. اینک پس از گذشت ده سال و نقض گسترده و آشکار حقوق بشر در ایران، گزارشگر ویژه سازمان ملل برای بررسی وضعیت حقوق بشر انتخاب شده است. ما مادران پارک لاله از سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر و دیگر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهیم که نقض حقوق بشر در ایران را جدی بگیرند و به تعهدات خود عمل کنند و عاقبت کار مانند زمان آقای گالیندوپل نشود. ما مادران پارک لاله، تا روشن نشدن تمام زوایای این جنایات و محاکمه آمران و عاملان‌اش در دادگاه‌های مردمی و عادلانه به همراه تمامی خانواده‌های کشته‌شدگان فریاد بر می‌آوریم سخن از بخشش بی‌معناست، زیرا تا به حال هیچ‌یک از سران جمهوری اسلامی به‌طور رسمی و علنی در برابر مردم به اشتباه‌های خود اعتراف نکرده‌اند و پرونده‌ی کشتار بزرگ زندانیان سیاسی ایران، پرونده‌ای گشوده است که بالاخره یک روز این اسناد جنایت به دست مردم از تاریکخانه‌ها به خیابان‌ها و رسانه‌ها خواهد آمد و آن روز، روز دادخواهی است.

- ما می خواهیم بدانیم
- چرا انسان هایی که حکم زندان داشتند، به جوخه های مرگ سپرده شدند؟
 - چرا انسان هایی که برای حداقل خواسته خود به خیابان آمدند، کشته شدند؟
 - چرا انسان ها برای بیان اندیشه خود مورد بازخواست قرار می گیرند، به زندان می افتند، شکنجه و گاه اعدام می شوند؟
- و هزاران چرای دیگر که ما و تمامی مادران و خانواده های داغدار در سی و سه سال گذشته می خواهیم بدانیم و تا زمان پاسخگویی دست از مبارزه نخواهیم کشید و همچنان ایستاده ایم.

مادران پارک لاله

۲۸ مرداد ۱۳۹۰